قدس زندگی

یکشنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۹ | ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ | ۱۳ دسامبر ۲۰۲۰ | سال سی و سوم | شماره ۹۴۱۵

ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

بازگشت یک بازیگر قدیمی به تلویزیون

احمد نجفی روایتگر «اُپاتان» شد

۱۲

گفت‌وگو با کاوه خداشناس، بازیگر نقش شهید شهریاری در سریال «میراث مجید»

روایتی جذاب و دل انگیز از یک شهید هسته‌ای

۱۲

۱۰ ۱۱ ورزش

شهرخودرو- استقلال در روز آخر هفته ششم لیگ برتر

نبرد فامیلی آبی‌ها در مشهد

راه درازی پیش رو دارم

بیرانوند: استقلالی‌ها انرژی‌ام را بیشتر کردند

زنوزی با کی‌روش و قطبی هم مذاکره کرده است

یک تریلی اسم برای هدایت تراکتور

مردم جهان به واکسن‌های کرونا بی‌اعتمادند

بزنیم یا نزنیم؟!

محمد تربت‌زاده | آن روزهایی که رسانه‌ها چپ و راست اخباری را از شیوع ویروسی کشنده در چین منتشر می‌کردند، هیچ‌کداممان کرونا را جدی نمی‌گرفتیم و احتمالاً تصور می‌کردیم این ویروس هم یکی از بیماری‌های عجیب و غریب سال‌های اخیر است که پس از مدتی فراموش می‌شود. حالا بیش از یک سال از پیدا شدن نخستین مورد ابتلا به کرونا در جهان می‌گذرد و این ویروس تبدیل به اصلی‌ترین دغدغه مردم جهان و دولت‌های مختلف شده است. اگرچه تا همین چندماه پیش دانشمندان می‌گفتند نباید دلمان را به وعده‌های شرکت‌های مدعی ساخت واکسن کرونا خوش کنیم اما حالا ورق برگشته و پس از دستیابی چندین شرکت بزرگ داروسازی به فرمول ساخت واکسن کرونا، روز به روز اخبار امیدوارکننده‌تری درباره واکسن کرونا در رسانه‌ها منتشر می‌شود. درحالی که این روزها خیلی‌هایمان چشم امید به واکسن‌های نورسیده داریم، انتشار خبر جان باختن ۶ داوطلب در کارآزمایی بالینی واکسن ساخت فایزر-بایون‌تک ابهام‌هایی را درخصوص اثربخشی واکسن ایجاد کرده است، به طوری که حالا بسیاری از مردم می‌گویند حتی در صورت دسترسی داشتن به واکسن کرونا هم حاضر به تزریق آن نیستند!

عوارض خطرناک

ماجرا از آغاز واکسیناسیون سراسری کرونا در انگلستان آغاز شد. چند روز پس از توزیع گسترده این واکسن در انگلستان، اخباری مرتبط با ایجاد عوارض حساسیتی برای دریافت‌کنندگان واکسن در رسانه‌ها منتشر شد. برخی از رسانه‌های انگلیسی ادعا کرده بودند این واکسن برای افرادی که حساسیت دارند، مناسب نیست و عوارض خطرناکی برای آن‌ها دارد. بلافاصله پس از این هم رسانه‌های داخلی به نقل از اسپوتنیک روسیه اعلام کردند ۶ دریافت کننده واکسن فایزر بر اثر عوارض واکسن جان‌باخته‌اند!

این رسانه‌ها اعلام کرده بودند دو نفر بلافاصله پس از دریافت واکسن جان باخته‌اند و چهار نفر دیگر بر اثر عوارض استفاده از واکسن فایزر، چند روزی درد کشیده و در نهایت فوت کرده‌اند.

این اطلاعات بعدها توسط سازمان غذا و داروی آمریکا هم مورد تأیید قرار گرفت.

استاندارد ایمنی طلایی

انگلستان نخستین کشوری بود که واکسیناسیون رسمی و سراسری کرونا را آغاز کرد. با وجود این، پس از حواشی به وجود آمده، تزریق واکسن روند کندتری به خود گرفت و مسئولان اعلام کردند تزریق فقط در مراکزی که امکانات احیا را داشته باشند، صورت می‌گیرد. آمریکا هم که قرار بود واکسیناسیون را آغاز کند، تصمیم گرفت آن را برای مدت کوتاهی به تعویق بیندازد.

هیئت مشاوره دولت ایالات‌متحده اما روز گذشته استفاده از واکسن کووید۱۹ فایزر را مجاز اعلام کرد. ترامپ هم در پیام ویدئویی خود در توییتر اعلام کرد:«شرکت فایزر «استاندارد ایمنی طلایی» را کسب کرده و واکسن کرونا یکی از «بزرگ‌ترین دستاوردهای علمی تاریخ است».

۴۴ هزار نفر

حالا نه فقط برای مردم آمریکا که واکسیناسیون در کشورشان آغاز شده، بلکه برای همه مردم در سرتاسر جهان این پرسش ایجاد شده که آیا واقعاً ۶ داوطلب دریافت واکسن کرونا در انگلستان، بر اثر عوارض واکسن فایزر جان باخته‌اند یا خیر؟

در کارآزمایی‌های واکسن شرکت فایزر-بایون‌تک، تقریباً ۴۴ هزار نفر شرکت کردند که به دو گروه تقسیم شدند؛ به یک گروه واکسن و به گروه دیگر دارونما تزریق شد.

دارونما ماده‌ای بی‌ضرر است که خواص داروی مورد مطالعه را ندارد. داوطلبان و محققان نباید تا پایان مطالعه از اینکه کدام داوطلب، در کدام گروه قرار گرفته مطلع شوند، این رویه و رویه‌های مشابه به‌منظور جلوگیری از سوگیری‌های احتمالی طراحی شده است. برای جلوگیری از اثر تلقین که می‌تواند با فریب داوطلب، اثر مثبتی بر روند بهبودی او داشته باشد یا منجر به اثرگذاری پیش‌داوری‌های احتمالی محققان در نتایج بررسی شود، از دارونما استفاده می‌شود. حالا «پولیتیکو» با بررسی داده‌های مرتبط با این ماجرا، ثابت کرده آن ۶ نفر در اثر تزریق واکسن فایزر جان نباخته‌اند!

ربطی به واکسن نداشت

در گزارش پولیتیکو اشاره شده است: «طبق اسناد توجیهی ایمنی و اثربخشی این واکسن یک مورد شدید عفونت کووید۱۹ در گروه دریافت‌کننده واکسن و سه مورد در گروه دریافت‌کننده دارونما وجود دارد.

۶ نفر در طول آزمایش فوت کردند، چهار نفر در گروه دارونما و دو نفر در گروه واکسن، اما هیچ‌یک از این مرگ‌ها ارتباطی با واکسن نداشته است». همچنین بلومبرگ در گزارشی در این زمینه نوشت:«دو نفری که در گروه واکسن قرار داشتند و جان خود را از دست داده‌اند بیش از ۵۵ سال سن داشتند. یکی از آن‌ها در اثر ایست قلبی ۶۲ روز پس از واکسیناسیون و دیگری بر اثر رسوب در دیواره رگ‌ها، سه روز پس از واکسیناسیون درگذشته است. در گزارش بلومبرگ به نقل از سازمان غذا و داروی آمریکا آمده است: «تمام مرگ‌ها نمایانگر حوادثی هستند که در جمعیت عمومی این گروه‌های سنی در محل وقوع آن‌ها، به میزان مشابه رخ می‌دهد».

ایجاد اعتماد عمومی

با وجود این اما همچنان بخشی از مردم آمریکا به این داده‌های دولتی بی‌اعتمادند و تمایلی به دریافت واکسن فایزر ندارند. موضوعی که دقیقاً در کشور خودمان هم حاشیه‌ساز شده و همزمان با اعلام خبر آغاز تست انسانی واکسن ایرانی کرونا از اول دی ماه، ادعاهایی در زمینه عوارض مرگبار این واکسن در میان مردم دست به دست می‌شود. همه این حواشی یعنی پس از ساخت واکسن کرونا، دومین مشکل اساسی در ریشه‌کنی این ویروس، ایجاد اعتماد عمومی در میان مردم است که مسئولان از همین حالا باید با شفاف‌سازی در راستای واکسن کرونای ایرانی، نسبت به آن اقدام کنند.

یادداشت‌های چرخدار

annotation@qudsonline.ir
عباسعلی سپاهی یونسی

رکابزنی در جنوب شرق (قسمت ششم)

کپرهایی پر از غصه

صبح چهارشنبه را پس از یک شب استراحت خوب، با گفت‌وگو با فاطمه قلندری شروع می‌کنم. زنی که حالا کارآفرین است و حصیربافی قلعه‌گنج را احیا کرده. گفت‌وگوی مفصل با او را می‌توانید به‌زودی در صفحه «مردم» بخوانید.

محمد حسنی که روز پیش در مسیر رسیدن به قلعه گنج با او آشنا شده‌ام، دنبالم می‌آید تا به اتفاق دوستش آقای صبایی سری به یکی دو روستای محروم بزنیم. در جاده‌ای که نیمی آسفالت و نیمی خاکی است، ۷۰ کیلومتر از شهر دور می‌شویم.

مقصدمان روستای ناهوگان است که وقتی به آن می‌رسیم می‌بینم فقط چند خانه کپری است و چند خانه آجری و دو سه خانه نیم ساخته! بچه‌ها کنار مدرسه کوچک روستا به بازی مشغول‌اند و این طرف مردها و زن‌ها تا گوشی برای شنیدن پیدا می‌کنند از نداشته‌هایشان می‌گویند... از نبود سرویس بهداشتی، نبود حمام، ناتمام ماندن خانه‌هایشان و اینکه به قول مردم، پیمانکار پول را گرفته و خانه‌ها کامل نشده.

یک ساعتی که میهمان مردم روستاییم به محرومیت آن‌ها فکر می‌کنم و به اینکه کدام کم‌کاری‌ها موجب این فلاکت شده است. یاد جمله‌ای ازمقام معظم رهبری می‌افتم که در مسیر سفرم روی دیواری دیدم با این مضمون که بزرگ‌ترین مبارزه با آمریکا خدمت به این مردم است. با خودم فکر می‌کنم پس مسئولان ما این جمله را اصلاً درنیافته‌اند که اگر دریافته بودند مردمی با این حال و روز را نداشتیم. کمی دورتر بچه‌ها مشغول بازی‌اند با توپی که آن را از پارچه درست کرده‌اند و من فکر می‌کنم سهم این بچه‌ها از زندگی و شادی‌ها و بازی‌هایش چیست؟ هوا تاریک شده است و ما در راه رفتن به روستای دوم هستیم. روستایی که حال و احوالش از روستای اولی بدتر است. به اتاقی کپری دعوت می‌شوم که در آن آتشی روشن کرده‌اند. حدود ۲۰ نفری نشسته‌اند. زن، مرد، کوچک، بزرگ. انگار بخش مهمی از مشکلات روستا را توی اتاق کپری جمع کرده‌اند.

تعدادی از بچه‌ها شناسنامه ندارند، چندتایشان تالاسمی دارند، دو سه نفری بیماری صرع، دو دختر نوجوان از نبود گوشی و تبلت برای درس خواندن می‌نالند، زنی دست دخترش را گرفته است و می‌خواهد اتاقش را به من نشان بدهد و خلاصه هر کدام قصه‌ای دارند، قصه‌ای پر غصه که من دیگر طاقت شنیدنش را ندارم. فکر می‌کنم وقتی نتوانم برای این مردم کاری انجام بدهم چه فایده که مشکلاتشان را بشنونم و سر تکان بدهم؟ چه فایده که آن‌ها امیدوار شوند یکی آمده است صدایشان را بشنود و فکر کنند می‌توانم برایشان کاری بکنم؟

ساعت ۸ شب را نشان می‌دهد که راه برگشت به قلعه‌گنج را در پیش می‌گیریم و پیش روی من هر چه هست حرف کمبودها و مشکلات مردم است. فکر می‌کنم آن‌همه که از آبادی قلعه گنج شنیده‌ام در مقایسه با کمبودهایش چیزی نیست. با خودم فکر می‌کنم مسئولان باید به طور جدی و مستمر برای قلعه گنج و روستاهایش کاری بکنند تا کمبودها و بدبختی‌ها دست از سر این مردم محروم و مهربان بردارد.

مجاز آباد

اینجاقالیشویی‌نیست

یک کاربر فضای مجازی با انتشار این تصویر در توییتر نوشت: «اینجا مدرسه‌ای در بندر امام خمینی است که حالا پس از فروکش کردن آب، به محلی تبدیل شده تا بسیجی‌ها قالی‌هایی را که از خانه‌های مردم آسیب‌دیده جمع‌آوری کردند به اینجا بیاورند و پس از شست‌وشو به خانه‌هایشان تحویل دهند. ای کاش تفکر خدمت در کشور حاکم بود».

سر شوخی را باز کرد

یک نماینده مجلس در توییتر نوشت: «شاید هم اردوغان خوب جایی سر شوخی را باز کرد. ما هم دو قرن است از جدایی شمال و جنوب «ارس» ناراحتیم و دیر نیست که پاره جدا شده به پیکر ایران بازگردد. به قول استاد یحیی شیدا ادیب نامدار تبریزی: نه «شمالی» نه «جنوبی»؟ آت بو چرکین سؤزلری ملک ایراندیر تماماً، دونیایا اعلان ائله».

روزمره نگاری

مثبتِ عشق

رقیه توسلی: ترکیب خانه عالی است؛ عزیز، آبان و من... هر سه تایمان ماسک بسته‌ایم. ماسک اکسیژن، ماسک سفید، ماسک مرد عنکبوتی و با فاصله سه متری شکل مثلث برمودا نشسته‌ایم!

حواسم را بیشتر داده‌ام به این دو نفر تا پوست گرفتن سیب‌زمینی‌ها. کاملاً فضول، می‌پایم ببینم کارشان با نقاشی و تلفن به کجا ختم می‌شود بالاخره؟ آیا قرار است این وسط، کاشف پیکاسویی، ونگوگی، چیزی باشم یا نه؟

آبان و پدرش، واتساپی حرف می‌زنند: «آبان: گلی کجاست؟ آقای پدر: نیم ساعت دیگه نوبت خواهرجونه. مرد عنکبوتی بابا کیه؟»... چند ثانیه‌ای مکث برقرار می‌شود. مدل آبان همین است. سکوت‌های مقطعی قشنگ و بعد که می‌گوید: «من... بهش گفتم بلدم... بذار خوبت کنم... باور نکرد... گفت تو بچه‌ای... دکتر نیستی... باید پیر باشی! آقای پدر: خب این‌دفعه روی من آزمایش کن. ببینن چقد دکتری، اوضاع حتماً عوض میشه.

آبان: خانوم دکتر الان از من خیلی بزرگ‌تره؟

- آره عزیزم.

* باشه... ولی اصلاً به کوچیکی، گندگی نیست که، به دستگاهه، به روپوش سفیده، آمپوله، به خندیدنه. تازشم من دکتر مرد هستم... به کسی نگو بابا ولی میخوام به همه بچه‌هایی که خوبشون می‌کنم، پاستیلم بدم، چطوره؟

- بی نظیره... فقط به بچه‌ها؟ گنده‌ها چی پس؟

* بابا حواستو جمع کن. چرا ناراحت میشی. به منشی مطبم میگم شما بابای خوشگل منی.

- آخیش! ماشالا دکتر نقابدار خودم. خوب کردی حالمو.

آبان می‌گوید: خاله میخواد برام چیپس درست کنه. ما داریم مسابقه نقاشی میدیم. اگه گفتی جایزه برنده چیه؟ پدر جواب می‌دهد: به به! آفرین به شما. نمی‌دونم که، بیا جلوتر یواشکی تو گوشم بگو...». می‌خندم. توی دلم می‌گویم سفر به دور دنیا در ۸۰ روز با اشانتیون ایتالیاگردی مبسوط.تلفن تمام می‌شود. مزه جملات ردوبدل شده اما نه... حالا حالاها برقرار است. مزه این پسر-پدری‌های ماندگار و جمع و جور. امروز یاد گرفتم که پدری به پول درآوردن و ریش و سبیل و امر و نهی و نام خانوادگی و صدای بَم مهیب نیست. پدری، بلد بودن است. اینکه وسط اتفاقات پشت سرهم زندگی که گاهی اجازه نفس کشیدن نمی‌دهد مهربان باشی. اینکه دل توی دلت نباشد و بغض از سر و کولت بالا برود که گل‌ترمه‌جان را برده‌ای برای جراحی اما به پسرجانت بها بدهی تا از رؤیاها و شادی‌ها و اوقات فراغتش بگوید.

سنجاق: چیپس سیب‌زمینی با پنیر و قارچ آماده شد. فعلاً سه نقابداریم که دلمان می‌خواهد فقط کرونا برود.

لیونل مسی چقدر انگلیسی بلد است؟

لیونل مسی که همه عمرش را در دو کشور اسپانیایی زبان یعنی آرژانتین و اسپانیا سپری کرده برای برقراری ارتباط با فوتبالیست‌ها، داوران و مربیانی که به این زبان آشنا نیستند دچار مشکل می‌شود چرا که مسی قادر به صحبت کردن به انگلیسی نیست. مسی البته می‌تواند در حد چند جمله انگلیسی را بفهمد و به زبان بیاورد ولی تنها زبان‌هایی که او در برقراری ارتباط با آن‌ها راحت است اسپانیایی و کاتالان است. این در حالی است که فوتبالیست‌ها سعی می‌کنند زبان انگلیسی را به عنوان ابزاری برای برقراری ارتباط فرا بگیرند.

زلاتان: امیدوارم با نوه مالدینی هم بازی کنم

زلاتان ابراهیموویچ می‌گوید تا زمانی که نتواند از پس انجام کارهایی که الان انجام می‌دهد برآید به فوتبال بازی کردن ادامه خواهد داد. ابراهیموویچ ستاره کهنه کار سوئدی و ستاره این روزهای آث میلان در پاسخ به شایعات درباره اینکه او احتمالا به زمان اعلام بازنشستگی نزدیک شده است می‌گوید تا زمانی که بتواند از پس انجام کارهای اموزش برآید به فوتبال بازی کردن ادامه خواهد داد. زلاتان به شوخی گفت می‌خواهد آن‌قدر بازی کند که یک روز با پسر دانیل مالدینی یعنی نوه پائولو مالدینی بازی کند.

پرونده مارادونا جنایی شد

۱۶ روز پس از مرگ دیگو مارادونا، دادستانی سان ایسیدرو بررسی تخصصی تلفن‌های لئوپولدو لوکه، پزشک و روانپزشک او آگوستینا کوشاجف، متخصصانی که مسئول سلامتی مارادونا در ۱۰ روز آخر زندگی او بودند، آغاز کرد. در دادسرای عمومی سان ایسیدرو، سه دادستان به نام‌های لورا کابرا، پاتریشیو فراری و اپریباریر که وظیفه بررسی پرونده را بر عهده دارند، شروع به تجزیه و تحلیل کامل تلفن‌های جراح مارادونا یعنی لئوپولدو لوکه و آگوستینا کوشاجف کرده‌اند.

لمپارد: آنچلوتی بهترین سرمربی من بود

فرانک لمپارد، سرمربی جوان چلسی به تمجید از کارلو آنچلوتی، سرمربی اورتون پرداخته و گفت:« به عنوان یک بازیکن و یک انسان به شدت تحت تأثیر کارلتو قرار گرفته بودم. آنچلوتی درست در رأس سرمربیانی است که من با آن‌ها کار کرده ام. کارلو موفقیت‌های زیادی در باشگاه‌های مختلف کسب کرده است. او یک سرمربی بزرگ و انسان فوق العاده بوده و من مشتاقانه منتظر دیدن دوباره آنچلوتی هستم. من همیشه به دنبال موفقیت‌های بیشتر هستم. لیگ برتر بخشنده و سخاوتمند نیست».

ضد حمله

تأیید میزبانی ایران از سوی AFC در انتخابی جام جهانی

به نقل از سایت «الکوره» عربی، فدراسیون فوتبال بحرین زمان‌بندی بازی‌های خود در ادامه مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر اعلام کرد. منبعی آگاه خبر داد فدراسیون بحرین زمان بندی و مکان برگزاری بازی‌ها را اعلام کرد. طبق این اعلام AFC به فدراسیون بحرین بازی دوم این تیم با ایران به میزبانی تهران در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۴۰۰ برگزار می‌شود. به گزارش فارس، با این خبر کنفدراسیون فوتبال آسیا میزبانی تهران برای ادامه مسابقات انتخابی جام جهانی ۲۰۲۲ را در شرایط کرونایی تأیید کرده است. برنامه کامل بازی‌های تیم ملی: ۵ فروردین: ایران - هنگ کنگ (ورزشگاه آزادی) ، ۱۰ فروردین: کامبوج - ایران، ۱۷ خرداد: ایران - بحرین (ورزشگاه آزادی)، ۲۵ خرداد: ایران - عراق (ورزشگاه آزادی).

غفوری به شهرخودرو نمی‌رسد

وریا غفوری ـ کاپیتان تیم فوتبال استقلال به دلیل وجود یک کیست در ناحیه مینیسک با درد مواجه است و بعد از معاینات انجام شده مشخص شد که التهاب موجود در زانوی وریا غفوری کاهش پیدا کرده است و او می‌تواند همراه استقلال تمرینات خود را جلو ببرد. این بازیکن برای بهبودی کامل تیم استقلال را در سفر به مشهد همراهی نکرد. او قرار است امروز به صورت اختصاصی به تمرینات خود ادامه دهد تا برای بازی بعدی استقلال مشکلی نداشته باشد.

سرخ‌ها بدون بازی راهی قطر می‌شوند

شرایط بیماری کرونا باعث شده دو بازی اخیر پرسپولیس در لیگ برتر لغو شود که این امر کار این تیم را پیش از فینال لیگ قهرمانان آسیا، سخت می‌کند. پرسپولیس درحالی امروز عازم دوحه می‌شود که تا بازی فینال عملا بدون بازی خواهد بود. یعنی پرسپولیس در شرایطی که طی ۱۹ روز در هیچ مسابقه‌ای شرکت نکرده، باید برابر نماینده شرق آسیا بازی کند که این امر کار کادر فنی این تیم را سخت می‌کند.

غیبت قطعی آل کثیر در فینال

در فاصله هفت روز مانده به فینال و در شرایطی که در روزهای اخیر اخباری مبنی بر بخشودگی احتمالی آل کثیر شکل گرفته بود، افشین پیروانی سرپرست این تیم اعلام کرد این مهاجم قادر به همراهی تیم در دوحه نخواهد بود: ما برای بردن آقای عیسی آل کثیر محدودیت داریم. در حق او اجحاف شد و نمی‌توانیم او را ببریم. با کلیه نفرات می‌رویم که آنجا باهم باشیم. از کسانی که تلاش می‌کنند پرسپولیس در آرامش به فینال برود، تشکر دارم و آرزو دارم دعای خیر مردم ایران بدرقه راه ما باشد.

ترابی آماده بازی با یاران رضاییان شد

نشریه «الرایه» قطر خبر داد مهدی ترابی، مهاجم ایرانی العربی به تمرینات گروهی تیم بعد از گذراندن دوران مصدومیتش برگشت و آماده بازی مقابل الدحیل در هفته نهم لیگ ستارگان شد. بازگشت ترابی خبر خوبی برای العربی به شمار می‌آید و با اضافه شدن این مهاجم ایرانی خط حمله العربی قدرتش دوچندان می‌شود. الدحیل در این فصل رامین رضاییان را در ترکیب خود دارد و بازی امروز به نوعی درپی ایرانی‌های قطر به شمار می‌آید.

مصدومیت دلخراش محسن ربیع خواه

محسن ربیع خواه، هافبک تازه وارد تیم آلومینیوم اراک در دقایق آغازین بازی دیروز تیمش مقابل پیکان با بدشانسی مواجه شده و پس از مصدومیتی شدید با آمبولانس از ورزشگاه خارج شد. ربیع خواه در دقیقه ۴ بازی برای گرفتن توپ از علیرضا کوشکی در میانه میدان با او برخوردی داشت که داور بازی خطای هافبک آلومینیوم را اعلام کرد. ربیع خواه اما در این جدال بر سر توپ خودش به شدت دچار مصدومیت شد تا قادر به ادامه بازی نبوده و زمین را ترک کند.

سرآسیایی در مس رفسنجان

مجتبی سرآسیایی ، سرمربی فصل گذشته شهرخودرو خراسان با پیشنهاد مستقیم باشگاه مس رفسنجان، رسما به این شهر سفر کرد و پای میز مذاکره با این تیم تازه رایافته به لیگ‌برتر نشست. توافقات نهایی سرآسیایی با مس رفسنجان در نهایت به اینجا انجامیده است که به عنوان دستیار اول ربیعی رسما کار خود را از امروز در این شهر آغاز کند.

سرمربی صنعت‌نفت: بازیکنانم هرچه داشتند گذاشتند

سرمربی تیم فوتبال صنعت نفت آبادان گفت: بازی خیلی سختی با گل گهر داشتیم. سیروس پورموسوی در نشست خبری بعد از بازی در صنعت نفت با گل گهر گفت: بازی خیلی سختی بود.

در طول هفته نقاط ضعف و قوت تیم حریف را ارزیابی کردیم. به بازیکنانم خسته نباشید و تبریک می گویم که امروز هرچه داشتند گذاشتند. وی در خصوص میدان دادن به بازیکنان جوان تاکید کرد: باید از تاجربه‌های تیم تشکر کنم که جوان‌ها را حمایت می‌کنم. ضمن احترام به همه بازیکنان، در شرایط ۵۰ - ۵۰ شانس را به بازیکنان جوان می‌دهم.

نکونام: برد حقمان بود

سرمربی تیم فوتبال فولاد خوزستان گفت: امروز حق ما بود برنده شویم و این برد را به هواداران فولاد خوزستان تقدیم می‌کنم. نکونام افزود: بازی سخت و سنگینی را پیش بینی می‌کردیم سایپا تاکنون باخت نداشت. می‌توانستیم بازهم گل بزنیم که نشد.

زنوزی با کی روش و قطبی هم مذاکره کرده است

یک تریلی اسم برای هدایت تراکتور

امین غلام نژاد: تیم فوتبال تراکتور پس از قطع همکاری با علیرضا منصوریان به دنبال انتخاب سرمربی جدید خودش است و با گزینه‌های داخلی که مورد نظرش بود یا به توافق نرسید و یا به هر شکل دیگر همکاری میان طرفین میسر نشد تا مسئله نیمکت این تیم همچنان لاینحل باقی بماند و با هدایت موقت شجاعی به عنوان سرمربی- کاپیتان رهبری شود. در این راستا با توجه به ممنوعیت جذب مربی خارجی و محدودیت‌های موجود، تراکتوری‌ها سراغ مربیان دو ملیتی رفته و صحبت‌هایی با الکساندر نوری و افشین قطبی داشتند تا در صورت توافق به ایران بیایند و قرارداد همکاری میان طرفین امضا شود. البته با توجه به شکستی که تراکتوری‌ها پیش از این در دو مرحله مذاکره با الکساندر نوری داشتند و مسائلی که سر آن به توافق نرسیدند، مسئولان باشگاه تمایل چندانی به بازکردن باب مذاکرات جدی با او ندارند و احتمال اینکه این بار مهار نوری و این تیم توافقی حاصل شود بسیار پایین است.

مذاکره با قطبی

تمرکز تراکتوری‌ها در حال حاضر بیشتر روی جذب افشین قطبی است و مسئولان باشگاه قصد دارند مذاکرات خود را با او آغاز کنند و در صورت توافق او روی نیمکت تراکتور بنشیند.

قطبی در حال حاضر هدایت تیم شیجیاژوانگ چین را بر عهده دارد و تراکتور اگر قصد جذب او را دارد باید رضایت این باشگاه را هم جلب کند.

واقعاً کی روش؟

اما عجیب ترین خبر را هوشنگ نصیرزاده در این مورد داد. معاون ورزشی باشگاه تراکتور گفت:« زنوزی با کی روش برای حضور در تراکتور حرف زده بود اما به دلیل اینکه حضور خارجی‌ها در ایران ممنوع است این اتفاق منتفی شد. زنوزی رابطه خوبی با کی‌روش دارد و اگر این ممنوعیت برداشته شود، احتمال حضور این مربی در ایران وجود دارد. چون سه کاپیتان تیم ملی در تراکتور هستند، مربی باید انتخاب شود که ظرفیت کار کردن با آن‌ها را داشته و بزرگ‌تر از بازیکنان باشد».

بازی با نام‌ها

در طول این سال‌ها هیچ تیمی حتی در حاشیه خلیج‌فارس با مربیان خارجی به بن بست نخورده است. هیچ تیمی هم در ایران این‌قدر پول بابت مربیان خارجی نداده، به طوری‌که می توان ادعا کرد که تراکتور در این خصوص استقلال و پرسپولیس را هم پشت سر گذاشته است. تونی، ساغلام، جان توشاک و جورج لیکنز چهار مربی خارجی بودند که در پنج فصل اخیر روی نیمکت تراکتورسازی نشستند. این چهار مربی در مجموع ۶۰ بازی را به عنوان سرمربی روی نیمکت تراکتورسازی حضور داشتند. ۲۴ پیروزی، ۲۰ مساوی و ۱۶ باخت حاصل کار تراکتورسازی با هدایت سرمربیان خارجی خود در این مدت بوده است. به این‌ها البته باید دنیزلی را هم اضافه کرد که در میانه راه تیم را رها کرد و رفت. در تراکتور آنچه بیش از همه به چشم آمده است بازی با نام‌ها برای نیمکتی بوده است که با وجود این همه ستاره خیلی راحت‌تر و تنها با ثبات در تصمیم‌گیری‌ها می توانست به جام‌های بسیاری دست یابد.

رفتن به المپیک

دروازه بان تیم ملی فوتبال ایران افزود: یک چیز را صادقانه می گویم. من بعد از بازی فکر کردم مثل ورزشکار انفرادی هستم که چهار سال برای المپیک زحمت می‌کشد و بعد مردم می‌نشینند ببینند خوشحالم‌پایت‌اتفاقات‌که‌افتاد ولی ناراحتم که در نهایت بازی را باختیم.

مرتضی کرمانی مقدم

مهاجم قدیمی سرخپوشان که این روزها مشغول مربیگری در تیم‌های دسته‌های پایین تر است نسبت به سخنان گستاخانه اردوغان واکنش نشان داده و با قرمز کردن استان‌های آذربایجان در نقشه ایران نوشته است:« باشاسیس آذربایجان. آذربایجان قلب تپنده ایران است. آذربایجانی‌های عزیز دوستون داریم». او چه خرم آباد است ۲۴ بازی و دو گل ملی در کارنامه کرمانی مقام دیده می‌شود. وی از جمله بازیکنانی بود که در جام ملت‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۲ حضور داشت.

صادق محرمی

دفاع راست سابق پرسپولیس که این فصل در تیم دینامو زاگراب غوغا کرده و توانسته در اروپا برای خودش اسمی دست و پا کند استوری از لحظه امضا قراردادش با کروات ها منتشر کرده است. محرمی سال ۲۰۱۸ و قبل از فینال لیگ قهرمانان آسیا پرسپولیس را ترک کرد و راهی کرواسی شد. او برای تیم‌فصل به صورت قرضی برای لوکوموتیو زاگرب هم بازی کرده است. او گفته: من مثل همیشه از هر فرصتی برای بازی در دینامو زاگرب استفاده می‌کنم. اینجا مثل این است که در وطنم هستم.

الما آویرو

خواهر کریستیانو رونالدو، الما آویرو، با انتشار عکسی در حساب اینستاگرام خود واکنش‌های زیادی برانگیخته و عکس او بسیار جنجالی شده است. بعد از پیروزی ۳-۰ یوونتوس بر بارسلونا در روز سه شنبه که با دو بار گلزنی رونالدو به بارسا همراه بود خواهر رونالدو تصویری از دو اسطوره دنیای فوتبال را منتشر کرد که مسی را در حال پرستش رونالدو نشان می‌داد. رونالدو در این بازی دو بار از روی نقطه پنالتی دروازه تیم لیونل مسی را بار کرد تا موجب صعود تیمش به یوونتوس به مرحله حذفی لیگ قهرمانان شود.

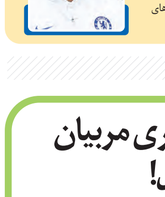

راموس

رئال مادرید با دو گل بر گلادباخ پیروز شد و تیم اول گروهش لقب گرفت. در پایان بازی سرخیو راموس دو عکس در اینستاگرامش منتشر کرد. یکی همراه کریم بنزما و دیگری همراه با بنزما، مودریچ و لوکاس. لوکا مودریچ زیر عکس راموس و بنزما به شوخی نوشت:« سرخیو اسبت را کجا بسته ای؟» در پاسخ نگاه اول همه جیز در رئال آقتابی و عالی است اما در تصویر شاد چهار نفره، یک نکته نگران کننده هم دیده می‌شود. قرارداد راموس، لوکاس و مودریچ در پایان همین فصل تمام می‌شود و قرارداد هیچ‌کدام نیز تمدید نشده است.

شهرخودرو- استقلال در روز آخر هفته ششم لیگ برتر

نبرد فامیلی آبی‌ها در مشهد

حمیدرضا خداشناس: هفته ششم لیگ برتر فوتبال کشورمان که روز شنبه آغاز شده، امروز با انجام دو بازی پایان می‌یابد که طبق برنامه استقلال از ساعت ۱۵:۴۵ در مشهد میهمان شهرخودرو است و تراکتور و ماشین سازی هم دربی تبریز با برگزار خواهند کرد.

نخستین تقابل رحمتی‌مربی با استقلال

دیدار شهرخودرو و استقلال از جهات مختلف دارای اهمیت است و شرایط خاصی که بر این بازی حاکم است بر حسابیت‌های آن افزوده و نگاه اکثر فوتبال‌دوستان را به این بازی و ورزشگاه امام رضا(ع) دوخته است. شاید مهمترین نکته حساس این دیدار تقابل استقلالی‌های سابق با هم باشد، مهدی رحمتی، محمد نمازی و داوود سید عباسی در رأس کادر فنی شهرخودرو و در سوی دیگر محمود فکری، صمد مرفاوی، پرویز مظلومی و... قرار گرفته اند که این اسامی خود نشان دهنده حساسیت بالای این بازی و شاید حواشی قابل انتظار باشد.

بدون شک رحمتی که خاطره خوبی از ترک استقلال ندارد در همه این سال‌ها انگیزه‌های بالایی در همه تقابل‌هایش با آبی‌ها داشته، اما داستان امروز کاملا متفاوت بوده و دروازه‌بان سابق استقلال به دنبال نشان دادن شایستگی‌هایش در عرصه مربیگری در این بازی مهم است. تقابل مرادمند مدافع استقلال که سال‌ها رهبر خط دفاعی شهرخودرو بود با تیم سابق خودش از دیگر نکات جذاب این بازی خواهد بود. از حساسیت‌های شخصی که بگذریم شرایط دو تیم در جدول موجب شده است که هر دو سرمربی به دنبال پیروزی در این بازی باشند.

استقلال ۸ امتیازی و شهرخودرو ۷ امتیازی است و ۳ امتیاز این بازی با توجه به اختلاف کم امتیازی تیم‌ها در جدول از نان شب هم برای استقلال و شهرخودرو واجب‌تر است. البته با توجه به شکست گل‌گهر مقابل صنعت نفت شاگردان فکری این شانس را دارند تا با کسب ۳ امتیاز مشهد به صدر جدول برسند.

بحران بازیکن در استقلال

استقلال در حالی به مشهد سفر کرده است که نیمی از بازیکن‌های خود را به خاطر شرایط مختلف در اختیار ندارد و این می‌تواند فرصت مناسبی برای رحمتی و تیمش برای سبقت از شاگردان فکری باشد. فرشید اسماعیلی، به علت بحث و جدل با احمد مددی، سرپرست باشگاه استقلال درباره قراردادش، حاشیه‌هایی در تمرین ایجاد کرد و این مسئله باعث شد تا محمود فکری این بازیکن را به دلیل مسائل انضباطی و ایجاد حاشیه در تمرین کنار بگذارد و همراه آبی‌پوشان پایتخت به مشهد نیاید. شیخ دیاباته، سایوش یزدانی، وریا غفوری و مسعود ریگی مصدوم هستند و نمی‌توانند در این بازی به میدان بروند. عارف غلامی و مهدی قایدی هم چند همراه تیم به مشهد آمده‌اند، اما به دلیل مصدومیت جزئی حضورشان در این بازی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. این مشکلات باعث شده است که محمود فکری شرایط خاصی را در تقابل هفته ششم خود با شهر خودرو داشته باشد؛ سرمربی که برای قرار از انتقادها به‌شدت به دنبال پیروزی در این بازی است.

برزیلی ها درصدر

دیروز اما در ادامه هفته ششم لیگ برتر تیم‌های فوتبال صنعت نفت و گل‌گهر به مصاف هم رفتند که صدرنشین دومین شکست پیاپی را هم در این بازی متحمل شد. پیروزی ۲ بر یک صنعت نفت مقابل گل گهر موجب خوشحالی تعقیب کنندگان ژنرال وصدرنشینی برزیلی های ایران شد. گل‌گهر هفته قبل هم با همین نتیجه به پیکان باخت. مسابقه‌ای که در آن بار هم منشا تک گل تیمش را به تمر رسانده بود. منشا در هفته‌های ابتدایی لیگ با گلزنی تیمش را به صدر جدول رساند اما در دو هفته اخیر، عملکرد نه چندان خوب خط دفاعی و دروازه‌بان گل‌گهر موجب شد گل‌های منشا بی‌اثر شود. منشا با گلزنی در این دیدار ۶ گل شده و ریگانی نیز گل پنجم خود را در به گل گهر زد.

نخستین گل تاریخ مس

دو تیم پیکان و آلومینیوم اراک هم به مصاف هم رفتند که این دیدار با نتیجه تساوی بدون گل به پایان رسید. اتفاقات ویژه این بازی مصدومیت زود هنگام محسن ربیع خواه بازیکن آلومینیوم بود و پنالتی سوخته تیم پیکان بود که توسط امیر روستایی هدر رفت. با این نتیجه پیکان ۹ امتیازی شد و موقتا به رده پنجم جدول صعود کرد و آلومینیوم ۶ امتیازی شد و در همان جایگاه سیزدهم باقی ماند.

در رفسنجان، تیم‌های مس و نفت مسجدسلیمان به میدان رفتند. این دیدار با برتری ۲ بر صفر مس خاتمه یافت و شاگردان محمد ربیعی به نخستین پیروزی خود در لیگ برتر دست یافتند و از انتهای جدول جدا شدند. در این دیدار نخستین گل مس در تاریخ لیگ برتر هم به ثمر رسید. برای مس قائم اسلامی‌خواه در دقیقه ۴۱ و محمدحسین کریم زاده در دقیقه ۸۴ موفق به گلزنی شدند.

آتش بازی فولاد

تیم فولاد نیز در ورزشگاه اختصاصی خود میزبان سایپا بود که این بازی در نهایت با نتیجه ۲ بر صفر به سود فولاد به پایان رسید. فرشاد احمدزاده (۳۱)، صابر حردانی (۸۷) و موسی کلیبالی (۹۱) در این مسابقه برای فولاد گلزنی کردند تا نوار تساوی‌های این تیم پاره شود. فولاد با هدایت جواد نکونام پیش از این صاحب یک برد و چهار تساوی شده بود و با پیروزی امروز ۱۰ امتیازی شد تا موقتا به رده دوم جدول صعود کند.

سونامی استعفا و برکناری مربیان در لیگ والیبال!

لیگ برتر والیبال ایران در حالی صفت حرفه‌ای برگزار شدن را یدک می‌کشد که با کمی دقیق شدن به اتفاقات و رخدادهای آن، این‌گونه به نظر می‌رسد که فعلا حتی در پیش پا افتاده‌ترین مسائل مانند تعهد سرمربیان و بازیکنان به قراردادهای حرفه‌ای، صدور ITC قانونی و ... نیز دچار مشکل است.

اولین جرقه

چند هفته پیش بود که سید محمد موسوی در انتقالی پر حاشیه و پر سر و صدا از تیم والیبال سایپا جدا شده و به پیاچنزای ایتالیا پیوست، اتفاقی که سوالات زیادی را بر جای گذاشت. پس از انتقال موسوی سایپایی‌ها به نحوه جدایی او اعتراض داشتند که اکنون نیز ادامه دارد و برخی از مسئولان نارنجی پوشان معتقدند موسوی بدون گرفتن رضایت‌نامه باشگاه از این تیم جدا شده است که پرونده این موضوع همچنان در دادسرای والیبال باز است. اتفاقی که حتی فدراسیون را نیز در این روزهای حساس پیش از المپیک درگیر کرده است!

استعفاهای متوالی

با این حال طولی نکشید که پس از حواشی جدایی موسوی و پیش از اتمام نیم فصل، سونامی جدیدی به نام جدایی سرمربیان از تیم‌های خود در لیگ رخ داد که لیگ را بیش از پیش دچار حواشی کرد. طی دو هفته گذشته سرمربی چهار تیم لیگ برتری از سمت‌های خود کنار رفتند و این در حالی است که برای لیگ‌های معتبر خارجی به ندرت چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد. مسئله‌ای که به نظر نیازمند توجه بیشتری است.

یک برکناری!

البته استعفا دادن یک مربی از سمت خود به هیچ عنوان کار غیر معمولی‌ای نیست و طبق قوانین باید به این اتفاق تن داد، اما آیا اینکه در یک لیگ و در کمتر از دو هفته چهار تیم دچار تغییرات روی نیمکت خود شوند امر طبیعی است؟ کما اینکه هر کدام از این جدایی‌ها هم حواشی خاص خود را به همراه دارند.

پس از انتشار خبرهای برکناری محمد ترکاشوند از هدایت تیم والیبال پیکان تهران بود که در فاصله کمتر از دو هفته، شاهد استعفای نفرزاده از تیم خاتم اردکان، ساسان خدابرست از تیم آذرباری ارومیه و اکنون استعفای مصطفی کارخانه از هدایت تیم مدعی سایپای تهران هستیم. خبرهایی که مجموعه آن‌ها کنار یکدیگر بحث حرفه‌ای بودن لیگ والیبال ایران را تا حدودی زیر سؤال می‌برد!

البته این موضوع زمانی قابل تأمل‌تر می‌شود که برخی از این سرمربیان مانند فرهاد نفرزاده، در کمتر از چند روز به تیم جدیدی (آذرباری ارومیه) منتقل و کار خود را شروع می‌کنند. همچنین برخی از این برکناری‌ها هم به گونه‌ای است که مانند موضوع ترکاشوند و باشگاه پیکان حواشی زیادی را در بحث پرداخت مطالبات طرفین به همراه دارد.

منهای فوتبال

ادامه لیگ برترهندبال درشیراز

سپاهان با طاهری هم حریف مس نشد

محمدرضا خزاعی: درادامه لیگ برتر هندبال، حساس‌ترین و سرنوشت سازترین بازی گروه دوم را تیم‌های مس کرمان، قهرمان فصل قبل و فولادمبارکه سپاهان، در سالن پوریای ولی دانشگاه آزاد شیراز برگزار کردند. تیم مس، که در دور رفت و درغیبت محسن طاهری، سرمربی سپاهان، این تیم را با اختلاف دو گل شکست داده بود، در بازی برگشت و درشرایطی که طاهری تیمش راهدایت می‌کرد، به‌پیروزی قاطع تری دست یافت. بازی را شاگردان حمید صادق شاه نشین، باسرعت آغازکردند و درهمان دقایق اولیه گل‌های فراوانی به ثمررساندن به نحوی که در ۱۵ دقیقه اول اختلاف را به هفت گل رساندند. درخشش بازیکنان خراسانی مس، حرف اول این تیم در نیمه اول بود؛ امید رضا سرپوشی، دروازه بان سبزواری، اکثرحملات بازیکنان سپاهان رابی اثرکرد. ضمن اینکه یونس آتاری، گوش راست جوان و ملی‌پوش سبزواری زننده اکثر گل‌های این تیم بود و گاظم جمعه پوزاده گردانندهٔ مشهدی و پرتجربه مس هم گردش منظم توپ را به خوبی کنترل کرد و هم برای مس گل زد. در ۱۰ دقیقه پایانی این نیمه، اصفهانی ها، بازگشت خوبی داشتند و فاصله راکم کردند، به گونه ای که نیمه، نخست تنها با اختلاف یک گل (۱۳ - ۱۴) به سود مس رقم خورد. کرمانی‌ها، نیمه دوم راهم هجومی آغاز کردند و رفته رفته فاصله را زیاد کردند .

دراین نیمه، تدابیر محسن طاهری در مقابل نقشه‌های حمیدصادقی اثرگذار نبود و با بازی خوب اکثر بازیکنان، به ویژه افشین صادقی، ملی پوش ارزنده کرمانی، درنهایت، تیم صنعت مس کرمان، بازی را با حساب (۲۴ - ۳۱) به سود خود خاتمه داد و جایگاه خود را درصدرجدول محکم‌تر کرد.

در قطر برگزار می‌شود

پنجره آخر مسابقات بسکتبال انتخابی کاپ آسیا

با توجه به ادامه شیوع ویروس کرونا، کنفدراسیون بسکتبال آسیا تصمیم گرفت پنجره سوم و پایانی رقابت‌های انتخابی کاپ آسیا باز هم به صورت متمرکز برگزار شود. براین اساس بازی‌های گروه E که ایران هم در آن حضور دارد، همانند پنجره دوم در قطر برگزار می‌شود. این رقابت‌ها ۱۸ تا ۲۲ فوریه (۳۰ بهمن تا ۴ اسفند) انجام خواهد شد. ایران در پنجره سوم مقابل عربستان و قطر قرار می‌گیرد. در حال حاضر تیم ملی بسکتبال کشورمان با سه برد و یک باخت، صدرنشین گروه E رقابت‌هاست. سوریه، عربستان و قطر در ردههای بعدی قرار دارند.

صعود یاران عالمیان به رده دوم لیگ تنیس روی میز

تیم نیما عالمیان در لیگ تنیس روی میز فرانسه به چهارمین پیروزی خود دست یافت. نیما عالمیان، لژیونر تنیس روی میز کشورمان که در لیگ دسته اول فرانسه برای تیم رومازنه بازی می‌کند در دیدار مقابل Rouen در ترکیب تیمش به میدان رفت که با نتیجه ۳ بر یک به برتری دست یافتند.

عالمیان در این دیدار یکی از نُردهای تیمش را کسب کرد تا این تیم با ۱۲ امتیاز در رده پنجم جدول قرار بگیرد. این در شرایطی است که تیم عالمیان هفته گذشته مقابل jura morez با نتیجه سنگین سه بر صفر تن به شکست داده بود.

فرمول یک: اتومبیل رایکونن سوخت

اتومبیل کیمی رایکونن، راننده فنلاندی تیم آلفارومئو در دور تمرینی گرندپری امارات، آخرین مرحله از فصل ۲۰۲۰ مسابقات فرمول یک قهرمانی جهان، دچار حریق شد. یکی از اعضای تیم آلفارومئو در جریان تمرین روز جمعه در پیست «یاس مارینا» شهر ابوظبی از طریق بی‌سیم به راننده ۴۱ ساله تیمش گفت: آتش بزرگ، سریع از ماشین خارج شو! رایکونن بلافاصله ماشین را متوقف و با حضور به موقع آتش‌نشانان از مهلکه گریخت.

استقبال کمرنگ برای عضویت در کمیسیون ورزشکاران پارالمپیک

کمیته ملی پارالمپیک مطلب تعیین شده برای نام‌نویسی از نامزدهای عضویت در کمیسیون ورزشکاران این کمیته را تمدید کرد. ثبت نام از نامزدهای کمیسیون ورزشکاران کمیته ملی پارالمپیک که از شنبه گذشته (۱۵ آذرماه) آغاز شده بود چهارشنبه گذشته و بعد از پنج روز کاری به پایان رسید. کمیته ملی پارالمپیک اما با در نظر گرفتن شرایط مصوب برای انتخابات کمیسیون ورزشکاران و ترکیب این کمیسیون اقدام به تمدید مهلت در نظر گرفته شده برای نام نویسی از نامزدها گرفته است.

ورزش در سیما

هفته ششم لیگ برتر ایران
ماشین‌سازی – تراکتور
یکشنبه ۲۳ آذر - ۱۵:۰۰ زنده از شبکه ورزش

هفته ششم لیگ برتر ایران
شهر خودرو – استقلال
یکشنبه ۲۳ آذر - ۱۵:۴۵ از شبکه سه

گفت وگوی کوتاه

راشفورد: تا آخر فوتبالم در یونایتد می‌مانم

مارکوس راشفورد تلویحا اعلام کرد ممکن است تا پایان دوران فوتبالی اش در منچستریونایتد ماندگار شده و تنها در این تیم بازی کند.

مارکوس راشفورد به صورت تلویحی اعلام کرد می‌خواهد تا پایان دوران فوتبالی اش برای منچستریونایتد بازی کند.

این ملی پوش انگلیسی می‌گوید با تیم محبوب دوران کودکی اش پیوندی عمیق دارد و نمی‌تواند زمانی را تصور کند که دیگر نخواهد با پیراهن یونایتد فوتبال بازی کند.

راشفورد که در مراسم جوایز ورزش بریتانیا که هر ساله برای انتخاب بهترین ورزشکار سال اهل این کشور برگزار می‌شود بعد از آنکه رتبه اول را به دو بازی‌های بعدی این تیم ژاپنی را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. میورا سرمربی ویسل کوبه ستاره کهنه‌کار اسپانیایی و کاپیتانش آندرس اینیستا را از این دقیقه تنها برای حضور در ضربات پنالتی به میدان فرستاده است. اینیستا پیش از شروع مسابقه مصدوم اعلام شده بود.

فقط پنالتی

اینیستا اولین پنالتی کوبه را شلیک کرده و به گل تبدیل کرد. اما اینیستا بعد از زدن این پنالتی در حالی در تصاویر دیده شد که ران پای راست خود را گرفته و مشخص است که درد می‌کشد. به این ترتیب مشخص شد که مصدومیتی که او در مرحله یک‌هشتم‌نهایی متحمل شده بود هنوز به صورت کامل بهبود نیافته است.

روحیه تیم

میورا سرمربی ویسل کوبه در پایان بازی با سوالات زیادی مواجه بود که از او درباره علت نیمکت نشینی اینیستا از شروع بازی و به میدان رفتنش در دقایق پایانی می‌پرسیدند. او در پاسخ گفت: «آندرس کاپیتان تیم ما است و همه به او احترام می‌گذارند. صرف حضور او در زمین روی تیم ما تاثیر مثبت دارد.

اینیستا تا زمانی که روی نیمکت نشسته بود با حضورش روی عملکرد تیم ما تاثیرگذار بود و در دقایقی که در زمین حضور داشت آندرس اینیستا ستاره کهنه‌کار ویسل کوبه در بازی مقابل سوون سامسونگ در دقیقه ۱۱۳ برای پنالتی زدن وارد زمین شد و در این مدت هم نشان داد که درد می‌کشد. به میدان رفتن آندرس اینیستا کاپیتان کهنه کار باشگاه ژاپنی ویسل کوبه در دقیقه ۱۱۳ بازی این تیم مقابل سوون سامسونگ کره جنوبی در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا و وضعیت او در این دقایق کوتاه که نشان می‌داد اینیستا در حال تحمل درد است و حضور او در بازی‌های بعدی این تیم ژاپنی را در هاله‌ای از ابهام فرو برده است. میورا سرمربی ویسل کوبه ستاره کهنه‌کار اسپانیایی شباطبین سرخ در ادامه گفت: «من از بچگی تصوری به غیر از منچستریونایتد نداشتم. نمی‌توانم تصور کنم که پیراهنی به جز پیراهن یونایتد را بپوشم. ذهنم چنین تصویری را نمی‌پذیرد. فقط می‌خواهم از زمانی که اینجا هستم برای باشگاهم هر چه در توان دارم در طبق اخلاص بگذارم. امیدوارم این دوران حضور در یونایتد برای من هر چه طولانی‌تر باشد».

کاپیتان سابق اسپانیا به نیمه‌نهایی و فینال آسیا می‌رسد؟

«اینیستا» می لنگد

آندرس اینیستا ستاره کهنه‌کار ویسل کوبه در بازی مقابل سوون سامسونگ در دقیقه ۱۱۳ برای پنالتی زدن وارد زمین شد و در این مدت هم نشان داد که درد می‌کشد. به میدان رفتن آندرس اینیستا کاپیتان کهنه کار باشگاه ژاپنی ویسل کوبه در دقیقه ۱۱۳ بازی این تیم مقابل سوون سامسونگ کره جنوبی در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان آسیا و وضعیت او

گفت‌وگو با کاوه خداشناس، بازیگر نقش شهید شهریاری در سریال «میراث مجید»

روایتی جذاب و دل‌انگیز از یک شهید هسته‌ای

زهره کهندل | سریال «میراث مجید» به کارگردانی حسین تبریزی نخستین سریالی است که به موضوع زندگی یک دانشمند هسته‌ای شهید پرداخته است و زندگی شهید مجید شهریاری را روایت می‌کند. شهید دکترمجید شهریاری؛ استاد دانشگاه شهید بهشتی و از دانشمندان هسته‌ای ایران بود که در سال ۱۳۴۵ در زنجان متولد شد و در هشتم آذر ماه ۱۳۸۹ توسط منافقان کوردل در یک عملیات تروریستی به شهادت رسید.
این مجموعه تلویزیونی سه بخش عمده دارد؛ یک بخش تاریخی از دهه ۴۰ الی ۵۰، بخش دیگر دهه ۵۰ تا ۶۰ و بخش آخر، دهه ۸۰ که زندگی خانوادگی شهید پس از ازدواج تا زمان شهادت را به تصویر می‌کشد و دوران پیش از تولد و زندگی پرفراز و نشیب و نحوه آشنایی و ازدواج پدر و مادر او و دوران کودکی تا پس از شهادت مجید شهریاری را دربرمی‌گیرد. تبریزی درباره وقایعی که در این سریال به تصویر کشیده می‌شود گفته است: «در این سریال به وجوهات اخلاقی، معرفتی و علمی شهید خواهیم پرداخت تا ایشان را به مردمی که نمی‌شناختند، معرفی کنیم».
این کارگردان دوران کودکی و نوجوانی شهید را با استفاده از بازیگران بومی در زنجان روایت کرده و درباره ایفای نقش شهید شهریاری توسط کاوه خداشناس، عنوان کرده است: برای انتخاب بازیگر نقش شهید شهریاری بازیگری می‌خواستیم که بتواند درونیات و ویژگی‌های شخصیتی شهید را به خوبی نشان دهد؛ چراکه شهید شهریاری ویژگی‌های شخصیتی جذابی دارد.
این سریال در ۳۰ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای به تهیه‌کنندگی مصطفی علمی‌فرد، نویسندگی حسن عطارها و فاطمه حیدری و با مشارکت سازمان انرژی اتمی، وزارت دفاع و استانداری زنجان تولید شده است. در ادامه با کاوه خداشناس، بازیگر سینما و تلویزیون که در این سریال ایفاگر نقش شهید مجید شهریاری است گفت‌وگو کردیم که می‌خوانید.

◆ این نقش چطور به شما پیشنهاد شد؟
به نظرم کار خدا بود. شاید تصور کارگردان این بوده که با گریم، چهره من به این شهید نزدیک‌تر می‌شود. قصد این است که چهره بازیگر به چهره این شهید شبیه باشد ضمن اینکه باید احوالات نقش را هم به خوبی درمی‌آوردم چون شهید شهریاری ویژگی‌های خاصی به لحاظ رفتار و منش داشت. نتیجه اینکه گزینه نهایی تیم تولید، من بودم و امیدوارم بتوانم از ایفای نقش ایشان به خوبی بربیایم.

◆ برای نزدیک شدن به این نقش چه کردید؟
من پیش از این، اطلاعات کلی درباره ایشان داشتم ولی چندان جامع نبود. وقتی برای ایفای نقش شهید شهریاری انتخاب شدم، زندگی ایشان را مطالعه کردم. بهترین کار هم ملاقات با اطرافیان و آشنایان شهید بود، به دیدار خانواده عزیزشان رفتم. همکارانشان که سال‌ها در دانشگاه شهید بهشتی با هم کار می‌کردند یا با هم به سفر زیارتی مکه رفته بودند و در کنفرانس‌های بین‌المللی حضور داشتند را دیدم. با این عزیزان همکلام شدم و بسیار به من کمک کرد که به شخصیت شهید نزدیک‌تر شوم.

◆ در این دیدارها، نکات خاصی از رفتار و منش شهید یافتید؟
نکات خاص که وجود داشت و همه متفق‌القول در مورد آدمی صحبت می‌کردند که در زندگی روزمره، ذهن ساده‌ای داشت ولی در طراحی و حل مسائل فیزیک و هسته‌ای، ذهن بسیار پیچیده. شخصیتی بسیار دوست‌داشتنی و جذاب بود. خیلی پرحرف نبود و درگیر زندگی دنیوی نشده بود اما در حوزه علمی خودش، بسیار سررشته داشت.

◆ واکنش خانواده شهید شهریاری وقتی متوجه شدند که شما نقش ایشان را ایفا می‌کنید، چه بود؟
من به دیدار همسر شهید، خانم بهجت قاسمی رفتم. بسیار دیدار دل‌انگیزی داشتیم و ایشان خیلی به من لطف داشتند. با هم صحبت کردیم و سعی کردم که بیشتر با شخصیت شهید آشنا شوم. خدا را شکر این دیدار منشأ اتفاق‌های خوبی برای من شد و امیدوارم که در خروجی کار هم، حق مطلب را ادا کنم و نزدیک به واقعیت ایشان رفتار کنم.

◆ به نظر شما چقدر فیلمنامه وفادار به واقعیت زندگی شهید بود تا از شخصیت‌پردازی شعاری پرهیز شود؟
برخورد شعاری با شخصیت‌های مهم و اثرگذار کشورمان یک معضل جدی در فضای روایی است به ویژه در تلویزیون این معضل نمود بیشتری دارد اما فیلمنامه سریال «میراث مجید» بسیار جالب و جذاب است چون برهه‌های مختلف زندگی این شهید را روایت می‌کند. قصه از پیش از تولد این شخصیت آغاز می‌شود و تا پس از شهادت ایشان ادامه دارد. سریال دارای فلاش‌بک و فلاش فوروارد‌های زیادی است که مخاطب را در ریتم دل‌انگیزی قرار می‌دهد. ضمن اینکه دهه‌های مختلف از دهه ۴۰ تا ۸۰ را روایت می‌کند و برای مخاطب تلویزیون بسیار جذاب است. فیلمنامه سریال را که خواندم جذاب و قابل قبول بود چون وجه معمایی دارد. پس از شهادت مجید شهریاری، یک تیم اطلاعاتی برای بررسی ماجرا وارد قصه می‌شوند که وجه معمایی و امنیتی قصه را پررنگ می‌کند. ضمن اینکه قصه روایتگر احوال آدمی عالم و خردمند است که یک زندگی عاشقانه داشته است. زندگی شهید از کودکی روایت می‌شود و ضمن آن، دهه‌های مختلف اجتماعی مرور می‌شود. به نظرم همه این‌ها موجب جذابیت قصه می‌شود.

◆ خود شما در این سریال از یک شخصیت‌پردازی شعاری فاصله گرفتید؟
امیدوارم این طور شود. متأسفانه کلیشه‌های آزاردهنده‌ای درباره شخصیت‌های مؤثر وجود دارد که اتفاقاً نتیجه عکس می‌دهد یعنی از یک شخصیت سمپاتیک (جذاب، جالب توجه، دوست داشتنی، خوشایند و دلچسب) به یک شخصیت پاراسمپاتیک تبدیل می‌شود. گروه سازنده سریال «میراث مجید» خیلی تلاش کردند که چنین نشود، آقای تبریزی به عنوان کارگردان سریال روی تک‌تک سکانس‌ها با بازیگران صحبت می‌کند و تلاش دارد که شخصیت‌پردازی شعاری نشود بلکه روایتی واقعی باشد.

◆ یک دهه از ماجرای ترور دانشمندان هسته‌ای در کشورمان می‌گذرد و سریال «میراث مجید» نخستین سریال درباره این شهداست، دلیل کم‌توجهی سینما و تلویزیون به موضوع ترور شهدای هسته‌ای را چه می‌دانید؟
این را سیاست‌گذاران و مدیران سینما و تلویزیون باید پاسخ دهند. شاید بخشی از آن به دلیل سهل‌انگاری باشد و بخشی هم به دلیل حساسیت‌هایی که این موضوع داشته و ترجیح داده‌اند که درباره آن کار رسانه‌ای نشود. به هر حال موضوع ترور شهدای هسته‌ای، موضوعی مهم و حساس است که شاید روایت آن نیاز به گذر زمان داشته است. مهم این است که این آثار درست ساخته شود حتی اگر ۱۰۰ سال دیگر ساخته شود. باید حق مطلب ادا شود و کار ضعیف ساخته نشود. باید تصویر درستی از این شخصیت‌ها ارائه داد، نه اینکه بودجه‌ای خرج شود و به چشم رفع تکلیف به آن نگاه شود.

◆ آیا در این سریال شاهد صحنه‌های اکشن هم خواهیم بود؟
شاید در بازسازی لحظه شهادت، اتفاق‌هایی از این دست رخ بدهد ولی از اساس با یک فیلم اکشن روبه‌رو نیستیم. سریال به صورت هوشمندانه‌ای به سمت ملودرام خانوادگی رفته است یعنی برای ذائقه مخاطبی که دوست دارد یک ملودرام خانوادگی جذاب و دیدنی ببیند اما پس از شهادت ایشان، قصه وارد فضای معمایی و امنیتی می‌شود.

◆ شما جزو گروهی بودید که در زنجان کار کردید؟
من نقش ۲۰ سالگی تا زمان شهادت شهید را ایفا می‌کنم. بخش زنجان مربوط به کودکی و نوجوانی ایشان است که توفیق حضور در آنجا را نداشتم. در بخش زنجان بازیگرانی همچون اردشیر رستمی و مهران رجبی، ایفاگر نقش پدر و پدربزرگ شهید بودند. من با بازیگران بومی زنجان همبازی نشدم چون آن‌ها در قسمت کودکی و نوجوانی شهید یعنی دهه ۴۰ و ۵۰ حضور داشتند.

◆ هنوز مشغول فیلم‌برداری کار هستید؟
بله همچنان مشغول‌ایم و فکر می‌کنم تا دو سه ماه آینده کار داریم چون قصه بسیار مفصل است. بازسازی چهار دهه مختلف از دهه ۴۰ تا ۸۰، اصلاً کار آسانی نیست. به نظرم تولید این سریال باید یک سال زمان ببرد چون اکنون که بازسازی دهه ۷۰ را داریم، اگر یک گاف از سریال دربیاید، بسیاری به آن انتقاد می‌کنند در حالی که این سریال در یک شتاب‌زدگی تولید می‌شود چون کمبود بودجه دارند و طولانی شدن روند تولید، هزینه‌بر است. همه گروه تلاش داریم که یک اثر تمیز و خوب را روانه تلویزیون کنیم. من به خروجی سریال بسیار امیدوارم و از خدا می‌خواهم که در عمل هم سربلند باشیم.

◆ در شرایط سختی هم دارید کار می‌کنید، خبر ابتلای آقای مهران رجبی به کرونا در زمان فیلم‌برداری زنجان، گروه تولید را نگران نکرد؟
شرایط کار بسیار سخت و نگران‌کننده است. من آقای رجبی را دیدم و همچنان عواقب کرونا در ایشان دیده می‌شد. از زمانی که کرونا وارد کشورمان شد، کار ما دوبرابر شده چون وظیفه رسانه سنگین‌تر شده است. مخاطب خانه‌نشین، نیاز بیشتری به خوراک تصویری دارد و تولید سریال‌های تلویزیونی شدت بیشتری گرفته است.
از روز اولی که کرونا وارد کشورمان شده، بیشتر در معرض محیط‌های جمعی بودیم. به یاد دارم زمان فیلم‌برداری سریال «بوم و بانو» در شهرک سینمایی، هر روز ۱۰۰ تا ۱۵۰ هنرور داشتیم که باید در فضای تاریخی با گریم‌های سنگین کار می‌کردیم. بچه‌های این حرفه با جان و دل دارند کار می‌کنند، آن هم بی‌منت. ما هم جانمان را کف دستمان می‌گذاریم و سر صحنه می‌رویم. فقط عشق است که ما را پای کار می‌آورد. امیدوارم روزهای سخت کرونا زودتر بگذرد.

خبر

پایان تصویربرداری سریال «دعوت نحس»

تهیه‌کننده سریال «دعوت نحس» از پایان تصویربرداری این سریال در شمال کشور خبر داد. به گزارش سیمافیلم، محمودرضا تخشید گفت: با اتمام تصویربرداری بخش شمال، گروه سازنده برای ادامه کار به تهران بازگشتند.
وی افزود: در بخش‌های تصویربرداری شده در شمال آدرینا صادقی، مینو آذرمگین، نازنین هاشمی، دینا هاشمی و میلاد میرزایی جلو دوربین رفتند. با آغاز تصویربرداری صحنه‌های مربوط به تهران رضا توکلی، نسرین نکیسا و آرش مجیدی به جمع بازیگران افزوده شده و جلو دوربین خواهند رفت.
«دعوت نحس» به کارگردانی علیرضا افخمی و تهیه‌کنندگی محمودرضا تخشید به سفارش سیمافیلم تهیه و تولید می‌شود.
در خلاصه داستان این مجموعه آمده است: مائده و زهره دخترعمه و دختردایی یکدیگر هستند. آن‌ها همراه با دو تن از دوستان خود، سوسن و شکیبا، برای یک سفر تفریحی عازم شمال شده‌اند. گرچه هر چهار نفر ظاهراً دوستان صمیمی یکدیگر هستند اما یکی از آن‌ها نسبت به مائده حسادت می‌ورزد و دل خوشی از او ندارد. این سفر بهانه‌ای می‌شود تا کینه‌ورزی‌های او برملا شود. با پیوستن محسن -خواستگار قبلی مائده- به این جمع حوادثی رقم می‌خورد که زندگی و سرنوشت مائده و زهره را دگرگون می‌کند.

احتمال پخش «نون. خ ۳» در نوروز ۱۴۰۰

فصل سوم یک سروگردن از هر دو فصل قبلی بهتر است

سیروس میمنت درباره آخرین وضعیت پخش سریال «نون.خ۳» گفت: هنوز تصمیم قطعی درباره زمان پخش سریال «نون.خ ۳» گرفته نشده، اما بنا به زمان‌بندی ساخت و همچنین زمان باقی مانده تا سال نو، به احتمال فراوان این سریال برای پخش در نوروز ۱۴۰۰ در نظر گرفته شده است.
وی در همین راستا ادامه داد: به تازگی فیلم‌برداری فصل سوم «نون.خ» در تهران به پایان رسیده است، من جلو دوربین آقاخانی رفته‌ام و تا پایان پروژه هم در اثر حضور دارم، با توجه به فیلمنامه و همچنین روند تولید فصل سوم این سریال می‌توانم با اطمینان بگویم که فصل سوم یک سروگردن از هر دو فصل قبلی بهتر خواهد بود. بازیگر سریال «نون.خ» با اشاره به اضافه شدن «اکبر عبدی» به این فصل از «نون.خ» تأکید کرد: قصه و روایت فصل سوم «نون.خ» بسیار جذاب و متنوع است و حضور اکبر عبدی با نقش متفاوتی که بازی می‌کند هم از دیگر دلایلی است که مخاطبان این اثر را دوست خواهند داشت. وی در همین رابطه تصریح کرد: مخاطبان در فصل سوم «نون.خ» اکبر عبدی بسیار متفاوتی را خواهند دید، وی نیز از جمله بازیگرانی است که در این سریال کاملاً «کردی» حرف می‌زند و شخصیتش در روند داستان بسیار جذاب پیش می‌رود. این اثر برای نوروز ۱۴۰۰ آماده می‌شود و امیدوارم مردم در آن زمان بتوانند از تماشای این سریال لذت ببرند. این بازیگر سینما و تلویزیون در ارتباط با بازیگری در دوران کرونا اظهار کرد: طبیعتاً این وضعیت ریسک‌های خودش را برای بازیگر به همراه دارد، اما خوشبختانه محیط فعالیت ما در سریال «نون.خ ۳» همواره ضدعفونی می‌شود، رفت و آمد افراد غیرضروری به طور کامل در پروژه قطع شده و پروتکل‌ها به خوبی رعایت می‌شود.

یک مینی سریال سیاسی دیگر

«ریگان و گورباچف» ساخته می‌شود

به نقل از ددلاین، مایکل داگلاس و کریستوف والتس دو بازیگر سرشناس هالیوود در نقش رونالد ریگان و میخاییل گورباچف در یک سریال کوتاه جلو دوربین می‌روند.
سریال «ریگان و گورباچف» که برای پارامونت تی‌وی استودیوز ساخته می‌شود بر مبنای کتابی با عنوان «ریگان در ریکیاویک: چهل و هشت ساعتی که جنگ سرد را پایان داد» نوشته کن آدلمن، مدیر کنترل سلاح‌های جنگی ریگان ساخته می‌شود.
جیمز فولی سازنده سریال «خانه پوشالی» برای کارگردانی این سریال تعیین شده است. فیلمنامه را نیز بی گاریدا با اقتباس از کتاب آدلمن نوشته است.
این سریال کوتاه ملاقات ریگان؛ رئیس جمهوری وقت آمریکا و گورباچف؛ رهبر شوروی را در نشستی که سال ۱۹۸۶ در ریکیاویک ایسلند برگزار شد، در قالب داستانی روایت می‌کند.
در این اجلاس دوروزه که ابتدا قرار بود مقدمه‌ای برای گفت‌وگوهای بعدی باشد، در نهایت زمینه برای توافق جامع کنترل تسلیحات که سال بعد حاصل شد، فراهم آمد.
مایکل داگلاس اکنون در سریال «متد کامینسکی» برای نتفلیکس بازی می‌کند که سومین و آخرین فصل این سریال است. وی همچنین بار دیگر در فیلم «مرد مورچه‌ای» و در قسمت سوم آن در نقش هانک پیم بازی خواهد کرد.
کریستوف والتس نیز اوایل امسال در درام «خطرناک‌ترین بازی» جلو دوربین رفت و بعد قرار است با فیلم جدید وس آندرسن یعنی «گزارش فرانسوی» دیده شود. وی بازیگر فیلم جدید جیمز باند یعنی «وقتی برای مردن نیست» هم بوده است.
این دو بازیگر همچنین به عنوان تهیه‌کنندگان اجرایی این سریال در کنار فولی و یوتچی فون لینتل انتخاب شده‌اند.

تلویزیون

جایگزینی برای روزبه حصاری

محمدرضا رهبری «بچه مهندس» می‌شود

محمدرضا رهبری در نقش جواد جوادی به گروه سریال «بچه مهندس ۴» پیوست و تصویربرداری سکانس‌های وی آغاز شد.
به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روابط عمومی سیمافیلم، سعید سعدی؛ تهیه‌کننده سریال «بچه مهندس ۴» گفت: پس از قطع همکاری با روزبه حصاری، محمدرضا رهبری به گروه پیوست و تصویربرداری سکانس‌های وی آغاز شده است.
وی در ادامه تأکید کرد: ما تلاش کردیم آقای حصاری در گروه بازیگران باشند و با آنکه ایشان در مجموعه دیگری مشغول بازی بودند و کارشان در آن مجموعه ۲۰ روز بیشتر طول کشید، با برنامه‌ریزی دقیق صحنه‌های دیگر را گرفتیم تا به گروه بپیوندند اما به دلیل درخواست‌های نامتعارف ایشان این امر میسر نشد و ما به لحاظ تولیدی به دلیل این رفتارهای غیرمتعارف دچار مشکل شدیم.
وی درباره یکدستی بازی و فراهم شدن شرایطی برای عدم گسست مجموعه با فصل‌های گذشته گفت: در سری‌های قبل هم این نقش توسط بازیگران دیگر ایفا شد و ان‌شاءالله با راهنمایی‌های آقای احمد کاوری؛ کارگردان پروژه، محمدرضا رهبری از عهده نقش جواد جوادی به خوبی برمی‌آید.
بچه مهندس سریالی چندفصلی است که فصل اول آن در ۳۰ قسمت در ماه رمضان ۱۳۹۷ از شبکه دوم سیما پخش شد و به داستان زندگی کودکی یتیم می‌پرداخت. فصل سوم این مجموعه که بنا بر خبرها یکی از پربیننده‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی بود، به دوران جوانی این کودک رسیده و روزبه حصاری در این فصل به ایفای نقش پرداخت. بنا بود با ساخت فصل چهارم و ادامه این مجموعه روزبه حصاری همچنان در کنار این گروه باشد که در روزهای پایانی هفته گذشته سعید سعدی در خبری از برکناری این بازیگر به دلیل درخواست‌های نامتعارف خبر داد و در ابتدای این هفته جایگزین او برای سریال مشخص شد.
به گفته سعید سعدی تاکنون ۲۰ درصد از مجموعه تصویربرداری شده و ادامه کار علاوه بر تهران در شهرهای اصفهان، مشهد، گرمسار، بوئین‌زهرا و اشتهارد هم تصویربرداری خواهد شد.
در این مجموعه بازیگرانی همچون ثریا قاسمی، فرهاد قائمیان، عبدالرضا اکبری، مهشید جوادی، محمدرضا رهبری، نسیم باقریان، کریم قربانی، عباس جمشیدی‌فر و شیوا خسرومهر حضور دارند و به‌زودی چند بازیگر جدید نیز به گروه اضافه خواهند شد.

تلویزیون

بازگشت یک بازیگر قدیمی به تلویزیون

احمد نجفی روایتگر «اُپاتان» شد

احمد نجفی با فیلم تلویزیونی محصول آبادان به تلویزیون می‌آید.
به گزارش فارس فیلم‌برداری این فیلم تلویزیونی با عنوان «اُپاتان» محصول صداوسیمای مرکز آبادان به پایان رسیده است.
این فیلم به کارگردانی حمیدرضا لوافی و تهیه‌کنندگی سعید مرادی در ۳۵ لوکیشن در شهرهای آبادان، خرمشهر و اروندکنار فیلم‌برداری شد و بیش از ۴۰ بازیگر ملی و استانی در این اثر به ایفای نقش پرداختند.
«اُپاتان» روایت روزهای اول جنگ در سال ۵۹ است که در روز عروسی طیبه و یاسر، داماد برای حفظ خاک و ناموس به ناگاه عروسی را ترک می‌کند و طیبه در جست‌وجوی همسر تن به کوچ و جست‌وجوی اجباری می‌دهد که... .
احمد نجفی، مهدی امینی‌خواه، شراره رخام، طیبه نیک‌زاد، ابتسام بغلانی، بدرالسادات برنجانی، صادق حسنی، سعید حراناف، صادق مقدس، ملیکا عبدالهی و صباح جوان‌پور از بازیگران این فیلم هستند.
احمد نجفی بازیگر و مجری است که در دهه ۷۰ با سریال «کارآگاه» در تلویزیون برای مخاطبان شناخته شد. او پیش از این سریال در چند اثر سینمایی مانند تاواریش (۱۳۷۲)، برخورد (۱۳۷۰)، گروهبان (۱۳۶۹) و دندان مار (۱۳۶۸) به ایفای نقش پرداخته بود. بازی او در فیلم گروهبان مورد توجه منتقدان قرار گرفته بود. یکی دیگر از آثار به یاد ماندنی او بازی در فیلم پناهنده اثر مرحوم ملاقلی‌پور است. مخاطبان تلویزیون همچنین او را در کسوت مجری برنامه «صندلی داغ» به خاطر دارند. آخرین نقش‌آفرینی او مربوط به سریال معمای شاه است.
سایر عوامل این اثر عبارت‌اند از: مجری طرح و مدیر هنری: شهرام قدیری، سرپرست گروه کارگردانی و دستیار اول کارگردان: سعید حراناف، مدیر برنامه‌ریزی: محمد عفراوی، منشی صحنه: لیلا مربی، مدیر تصویربرداری: پویان آقابابایی، مدیر تدارکات: محمد وطنچی، طراح چهره‌های ویژه رایانه‌ای: مهرداد علی‌پور، تدوین: فرشاد معتمدی، طراح جلوه‌های ویژه میدانی: محمد رضایی، عکاس: بهزاد عباسی و ناظر کیفی: سیدفرزاد توفیقی.
بنا بر این گزارش این فیلم در حال طی کردن مراحل فنی برای رسیدن به پخش از شبکه یک سیماست.